

ما می گوئیم:

۱. ماحصل فرمایش امام آن است که «قول باطل» به نحو مضاف و مضاف الیه وارد شده است (قول زور) ولی گاه صفت و موصوف هم به نحو اضافه ایراد می شوند.

این اضافه گاه به صورتی است که مضاف صفت است و مضاف الیه موصوف مثل حسن الوجه (که در اصل الوجه الحسن است)

و گاه به صورتی است که مضاف موصوف است و مضاف الیه صفت است مثل: مسجد الجامع. (که مراد از المسجد الجامع است) یا «ارض السبخه» (زمین نمک زار) یا حَبُّ الحصيد (دانه گندم درو شده) یا بقله الحمقاء (قاطر احمق)

امام مدعی هستند که قول الزور در اصل «القول الزور» بوده است و زور بودن گاه به سبب مضمون کلام است و گاه به سبب نفس قول (مثل احسنت گفتن در مقام تعریف غنا که مضمون آن باطل نیست و کیفیت هم مشکل ندارد بلکه نفس قول به عنوان یک فعل باطل است.) و گاه به سبب کیفیت قول. جامع زور در این احتمال، «اشتمال بر باطل» است. که گاه به نحو مضمون است و گاه به نحو کیفیت و گاه به سبب اصل عمل و فعل.

۲. فراز نخستین کلام امام، قول زور بودن غنا، از باب ورود است چراکه غنا را واقعاً (به سبب بیان شارع) قول زور قرار می دهد ولی طبق آنچه در فراز آخر کلام آوردند، قول زور بودن غنا، از باب حکومت است چراکه «قول زور» یعنی مضمون باطل و بعد تعبداً (بدون اینکه حقیقه غنا قول باشد) غنا هم، هم حکم با آن دانسته شده است.

۳. مرحوم شهیدی، مدعی است که قول الزور، از باب اضافه مصدر به مفعول است و نه اضافه موصوف به صفت، و لذا مراد از قول، کلام نیست بلکه مراد «گفتن» است و لذا غنا را نمی توان زور دانست چراکه غنا، گفتنی نیست:

«إنَّ الإضافة في قول الزور من قبيل إضافة المصدر إلى مفعوله لا إضافة الموصوف إلى الصفة بأن يكون المراد من القول هو الكلام أي المقول و على هذا لا يصح تفسيره بالغناء و حمله عليه لأنه تلفظ و تصوت خاص هو بنفسه زور و باطل لا أنه تلفظ و تكلم بما هو زور و باطل فلا بد أن يراد





من الغناء في تفسيره ما كان أمراً باطلاً في نفسه و لو شرعاً قابلاً لأن يتكلم به مثل الكذب و البهتان و القذف و الغيبة و نحوها.<sup>١</sup>

البته ایشان سپس از این ظهور به سبب وجود روایات دست بر می دارد و می نویسد:  
أن ظهور الغناء في الأخبار المفسرة في معناه اللغوي و العرفي من كيفية الصوت المخصوصة أقوى من ظهور قول الزور في الزورية من حيث المضمون فيجعل ذلك قرينة على التعميم فيه و كون الإضافة من قبيل إضافة الموصوف إلى الصفة و عليه يتم الاستدلال كما تقدم.<sup>٢</sup>

٤. احتمال مطرح در کلام شیخ انصاری چنین است:

«و كذا «لهو الحديث» بناءً على أنه من إضافة الصفة إلى الموصوف، فيختص الغناء المحرم بما كان مشتقاً على الكلام الباطل، فلا تدلّ على حرمة نفس الكيفية و لو لم يكن في كلام باطل.»<sup>٣</sup>

چنانکه روشن است این عبارت مرحوم شیخ انصاری لهو الحديث است و نه درباره قول زور البته ممکن است بگوئیم: همین مطلب که شیخ درباره لهو الحديث گفته است را می توان به شیخ درباره «قول الزور» هم نسبت داد.

٥. مرحوم خویی بر این سخن مرحوم شیخ اشکال کرده است و مدعی است چون در عالم خارج، کیفیت

قول و مضمون قول به یک وجود موجود هستند، به کیفیت هم می توان قول گفت:

«و لا فرق في هذه النتيجة بين كون الغناء نفسه من مقولة الكلام، أو هو كيفية مسموعة تقوم به،

لاتحادهما في الخارج على كل حال، فلا وجه للخدشة في الروايات الواردة في تفسير الآية:

بأن مقتضاها أن الغناء من مقولة الكلام، مع أنه كيفية تقوم به.»<sup>٤</sup>

٦. بر کلام مرحوم خویی می توان اشکال کرد که:

اولاً: اطلاق قول بر غنا (اگر از این جهت است که همیشه با هم ملازم هستند)، اطلاق مجازی است و لذا

حمل قول بر غنا، حمل بر فرد مجازی و خلاف اصالة الحقيقة است.

١. تبریزی، میرزا فتاح شهیدی، هدایة الطالب إلى أسرار المكاسب، ج ١، ص ٦٥.

٢. همان.

٣. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المكاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیث)، ج ١، ص ٢٨٧.

٤. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهة (المکاسب)، ج ١، ص ٣٠٥.





ثانیاً اگر هم بخواهیم به قرینه روایات، چنین حملی را مرتکب شویم، لاجرم باید از معنای حقیقی چشم پوشیم و الا استعمال در اکثر از معنی واحد لازم می آید و اگر بخواهیم به استعمال در اکثر از معنی واحد دچار نشویم، لاجرم باید به معنای جامع برسیم که همان سخن امام در این زمینه بهترین جامع است.

۷. ممکن است کلام مرحوم خوئی را به گونه ای دیگر معنا کنیم، این کلام، صریح فرمایش مرحوم ایروانی است.

«تفسیر قول الزور بالغناء لا یقتضی أن یکون الغناء من مقولة الکلام لصحة هذا التفسیر و إن کان الغناء من کیفیة الکلام لاتحاد کیفیة فی الخارج مع المکیف بالکیفیة فإذا كانت کیفیة زورا باطلا صدق أن الکلام زورا باطل.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. اگر به قول زور می گوئیم غنا، از این باب است که غنا کیفیت قول است و با مضمون آن متحد. وقتی غنا باطل است می توان به سبب اتحاد به مضمون هم باطل گفت.

[ما می گوئیم: فرق این تقریر یا تقریر قبل آن است که در تقریر قبل می گفتیم به سبب اتحاد کیفیت و مضمون، به کیفیت می گوئیم قول. پس غنا (کیفیت) قول است.

و در این تقریر می گوئیم:

به سبب اتحاد کیفیت و مضمون، به مضمون می گوئیم باطل (چون کیفیت باطل بوده است) پس مضمون باطل است.

اما می توان بر این سخن اشکال گرفت که روایات در حدود بیان آن است که بگوید غنا قول زور است و نه اینکه بخواهد بگوید «قول چون غنایی است زور است»  
به عبارت دیگر:

کلام مرحوم ایروانی توجیه زور بودن قولی است که غنایی است، در حالیکه ما در صدد توجیه قول زور بودن غنا هستیم.]

۱. ایروانی، علی بن عبد الحسین نجفی، حاشیة المكاسب (للایروانی)، ج ۱، ص ۳۰.





۸. اشاره امام به کلام مرحوم محقق شیرازی (شیخ محمد تقی) است. کلام ایشان چنین است:

«لا يخفى انّ ارادة الغناء من قول الزور ليست باعتبار استعمال هذا المركّب الإضافيّ في الغناء مجازا لوضوح عدم مناسبة عرفيّة ظاهرة مصحّحة لهذا الاستعمال كما هو (-ظ-) و (-ح-) فتفسير قول الزور بالغناء يحتمل ان يكون من قبيل التّأويل و تفسير الباطن كما ورد تأويل بعض الآيات الواردة في جهاد الكفار بأهل صفّين و النّهران و يحتمل ان يكون ذلك عن تفسير (-الظ-) و شرح المراد من اللفظ و ذلك اما بان يكون المراد من الغناء الكلام الّذي يتغنّى به المشتمل على المعاني الباطلة كهجاء المؤمنين و مدح الظّالمين و الاستهزاء و السّخريّة بالنّاس و نحوها من المعاني الباطلة و اما بان يكون قول الزور من قبيل اضافة الموصوف إلى الصّفة يعنى لمقولة المتّصف بالزور و يراد من الزوربة الأعمّ من الزوربة بحسب المعنى كالكذب و الهجاء و نحوها أو بحسب كيفيّة الأداء كالکلام الّذي يتغنّى به و ان لم يكن له معنى باطل على سبيل منع الخلو.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. اگر از قول الزور، غنا اراده شده است از این باب نیست که این ترکیب، در غنا استعمال شده است از نوع استعمال مجازی.
۲. چراکه این مجاز محتاج علاقه است و چنین علاقه ای موجود نیست.  
[ما می گوئیم: علاقه ملازمت که مرحوم خوبی می گفتند، موجود است]
۳. لذا ممکن است تفسیر قول زور به غنا در کلام ائمه، از باب تأویل باشد.
۴. و ممکن است که سخن ائمه، تأویل نباشد بلکه تفسیر ظاهر آیه باشد که این خود دو نوع است یا امام ع می گویند مراد از «قول زور» عبارت است از قول مشتمل بر معنای باطل، و یا امام (ع) می گویند «قول زور» اضافه موصوف به صفت است یعنی «گفته شده دارای صفت باطل»  
[ما می گوئیم: امام همین معنای دوم را، اخذ کرده اند و آن را «قول مشتمل بر باطل» دانسته اند پس ایروانی، «اضافه موصوف به صفت» در مقابل «قول مشتمل» قرار داده شده است، در حالیکه امام قول مشتمل را به معنای «قول مشتمل بر مضمون باطل» ندانسته اند بلکه مرادشان از «قول مشتمل بر زور» همان اضافه موصوف به صفت است.]

۱. شیرازی، میرزا محمد تقی، حاشیة المكاسب (للمیرزا الشیرازی)، ج ۱، ص ۸۹.



۵. طبق این احتمال، «زور» اعم از زور معنایی و زور کیفی است.



دین خارج خداوند سید حسن خمینی

دنامه نطق؛ سال ششم / ۱۲۵



@seyedhasankhomei